

مقابله‌ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار بقادر نیست نظام اسلامی‌ای مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید.
۲۹/۸/۱۳۹۲

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۵۹ / چهارشنبه ۴ دیماه ۱۳۹۸

مراقب بازگشت فتنه باشیم

جوان: به‌کارگیری الگوها و رهیافت‌های نوین (و به‌اصطلاح نرم) در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران، سابقه‌ای به درازای بیش از سه دهه دارد. تجربه پیاده‌سازی الگوهای متنوع براندازی اعم از شیخون فرهنگی، براندازی سیاسی، شکاف‌سازی ملی و جنگ اقتصادی نشان می‌دهد دشمن در حوزه‌های مختلف منازعه، خود را آزموده و تجربه معتناهایی را از نبرد نرم با ایران اسلامی اندوخته است. در نیمه دوم دهه ۸۰ که روند اقتدارافزایی ایران در سطح ملی و فراملی شتاب فوق‌العاده‌ای یافته بود، مهم‌ترین معمایی که ذهن اتاق‌های فکر غربی را به خود مشغول کرده بود، دکتترین مناسب برای مهار و مقابله با این روند بود. پس از وقوع فتنه ۸۸، شمای کلی از گسل‌های اجتماعی که برای دشمن فرصت‌آفرین تلقی می‌شد، رخ نشان داد و فتنه گران، نشانی دقیقی از محل مناسب برای فتنه‌انگیزی‌های آتی را به دشمن دادند. وجود گسل‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه فضایی را برای ایجاد تقابل‌های تصنعی و هدایت و اجرای پروژه شکاف ملی فراهم می‌آورد. بر همین اساس مدل «فشار-تحریم» با نسل جدیدی از تحریم‌های گسترده (که اصطلاحاً تحریم‌های فلج‌کننده خوانده شد) در دستور کار قرار گرفت. هوشمندی رهبری در تاکتیک «نرمش قهرمانانه» عملاً مدلی را که می‌توانست به سازش و تسلیم منتهی گردد، خنثی و در قالب تجربه عبرت‌آموز «برجام» مهار کرد. امروزه هرچند بی‌نتیجه بودن برجام و خیالی بودن میوه‌های آن بر همگان تقریباً روشن شده، اما کاخ سفید و هم‌پیمانان غربی‌اش همچنان امیدوارند از این الگو برای مهار قدرت منطقه‌ای و بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بهره بگیرند. در همین راستا الگوی «فشارحداکثری، تحریم و مذاکره» همچنان در دستور کار دشمن قرار دارد. اکنون دشمن حداکثر کاری را که در زمینه تحریم‌ها در قالب فشار حداکثری می‌توانسته به میدان آورده و تقریباً ایده جدیدی برای تشدید فشار ندارد. آنچه بیشتر به پیشبرد هدف دشمن کمک می‌کند، بُعد روانی سناریوی آن است، اساس اثرگذاری این تحریم‌ها روی «تحریم هراسی» بنا شده و می‌کوشد به بی‌ثبات‌سازی فضای اقتصادی ایران منجر شود. از سویی اکنون به دلیل وجود سوءمدیریت و سوءتدبیر حاد در برخی حوزه‌ها و بخش‌ها شاهد بروز اعتراضات طیف‌های متنوعی از مردم هستیم که در جای خود قابل‌تأمل است. وجود چنین بسترهای نارضایتی، محیطی مناسب برای ورود و فتنه‌انگیزی دشمن فراهم می‌آورد و احتمالاً بخشی از تلاش دشمن برای سوءاستفاده از همین اعتراضات خواهد بود.

طراحان راهبرد غرب، امیدوارند با مجموعه اقداماتی که در سناریوی جدید علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهند، اولاً محیط داخلی کشور را دچار درجه‌ای از بی‌ثباتی و آشوبناکی نمایند که مجالی برای نقش‌آفرینی نظام در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باقی نماند و ثانیاً در اثر فشار فراینده چندوجهی ملت ایران تسلیم اراده غرب شده و تضعیف اقتدار منطقه‌ای و دفاعی خود را در روندی مذاکره‌ای بپذیرند.

برای مقابله با سناریویی که اساس آن بر اختلاف‌افکنی و تقابل درونی در جامعه و حاکمیت کشور بنانهاده شده، یک اصل اساسی وجود دارد و آن لزوم «وفاق ملی برای مقابله و هم‌افزایی و هم‌راستایی همه ظرفیت‌ها برای این منظور» است. اگر چنین حالتی در سطح نخبگان و آحاد جامعه به وجود آید، خودبه‌خود بخشی از سناریوی دشمن ناکام می‌ماند.

برای شکل‌گیری این وفاق و هم‌افزایی لازم است، نخبگان کشور به توطئه دشمن و بسترهای آن توجه کنند و ضمن درک و شناخت عمیق از آن، مردم را از این مسئله آگاه سازند. پس از ایجاد یک شناخت فراگیر در همه لایه‌های اجتماعی، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌ها همچون مقاوم‌سازی هرچه بیشتر اقتصاد، توجه به گله‌مندی‌های اجتماعی اقشار گوناگون و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات معیشتی و صنفی و توجه بیش‌ازپیش مدیران اجرایی به انجام هرچه بهتر وظایف ذاتی خویش به‌منظور کسب حداکثری رضایتمندی اجتماعی دنبال گردد.

برنامه بلوا حتی به قیمت جان ۱۵۰ هزار نفر

کیهان: ۱- «آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا» (DIA) وابسته به پنتاگون، اخیراً گزارشی ۱۳۰ صفحه‌ای درباره توانمندی‌های نظامی - منطقه‌ای ایران منتشر کرد که طبعاً غیر از گزارش‌های سری آن است. این اولین بار است که DIA، پس از انتشار گزارش‌هایی درباره روسیه و چین، گزارش ویژه‌ای را با تمرکز بر توانمندی‌های ایران منتشر می‌کند. اما چرا ایران این قدر اهمیت پیدا کرده است؟ سه ماه قبل در حالی که گزارش DIA تهیه می‌شد، نشریه تخصصی فارین پالیسی با رتول مارک گرشت افسر سابق سیا درباره ابعاد این پرسش که «رهبر ایران چگونه ترامپ را شکست داد؟»، گفت و گو کرد. گرکت در پاسخ، با وجود عقده‌گشایی می‌گوید «من می‌توانم بر مبنای مستندات آماری بگویم که رهبر ایران قطعاً برتر از ترامپ و در نقطه مخالف او قرار دارد». او از ۳۰ سال «رهبری هوشمندانه» آیت‌الله خامنه‌ای یاد می‌کند و می‌گوید «بدون شک، او قهرمانی جدی و موفق‌ترین رهبر خاورمیانه از جنگ جهانی دوم به این طرف است. او فوق‌العاده باهوش است و از مهارت‌های ممتاز و استعدادهای عالی برخوردار است».

۲- دشمن در نبردی تمدنی، اقتدار فراینده و بی‌سابقه جمهوری اسلامی در طول تاریخ چند قرن اخیر ایران را کاملاً جدی گرفته و از هیچ ضربتی دریغ نمی‌ورزد. اما متأسفانه برخی مدیران و رسانه‌های ما یا این اقتدار را نمی‌فهمند، یا متأثر از نفوذ ناتوی اطلاعاتی و فرهنگی، خلاف لوازم اقتدار عمل می‌کنند. شبیخون اخیر دشمن، سندی بر این مدعاست. اما آیا واقعاً مسئله اصلی، بنزین بود یا چالش مهم‌تری در میان است که بی‌تدبیری بنزینی، جزئی از آن است؟ **۳-** جان ساورز رئیس سرویس جاسوسی انگلیس چند سال قبل، از پروژه‌ای گفت که همچنان توسط مثلث CIA، موساد و MI۶ در حال پیگیری است. به تصریح آقای ظریف، انگلیس در دوساله پس از برجام و بر خلاف تعهدش، اجازه نداد ایران حتی یک حساب بانکی در لندن باز کند. با این حال، جان ساورز - که عضو تیم مذاکرات انگلیس در مذاکرات آقای روحانی با تروئیکای اروپایی در سال ۸۲ بود - مهر ۹۴ به شبکه CNN گفت «توافق هسته‌ای ظرف ۱۵ سال آینده، ایران را به کشوری نُرمال تبدیل خواهد کرد. ما شاهد کشوری هستیم که در مرحله انتقال از مبانی انقلابی به کشوری نُرمال‌تر قرار

دارد اما در داخل ایران در این مسیر، چالش وجود دارد. ما نیاز داریم صبر استراتژیک داشته باشیم تا به آن فرصت دهیم در ۱۰-۱۵ سال آینده توسعه یابد و ایران را به کشوری نرمال تبدیل کند». از این منظر، برجام باید از ایران، انقلاب‌زدایی و در واقع اقتدارزدایی کند؛ خواب پنبه‌دانه و رویای بازگشت ایران به عصر پهلوی و قجری که در تیول انگلیس بود.

۴- وزیر محترم اطلاعات ۲۴ تیر ۹۶ در جلسه اداری کرمانشاه گفت «امروز همزمان با ناتوی فرهنگی و نظامی، با ناتوی اطلاعاتی مواجهیم. در شرایطی که دشمنان مشغول توطئه علیه توفیقات ایران اسلامی در منطقه هستند و غرب آسیا در حال بازمهندسی است، اهمیت حفظ و ارتقای امنیت کشور بسیار بیشتر از گذشته است و نباید دچار تأخر اطلاعاتی و امنیتی شویم». سخن بسیار متینی است. اما یک جست‌وجو در اینترنت بکنید. جز همان یک‌بار، چه زمان دیگری درباره «ناتوی اطلاعاتی» اطلاع‌رسانی شد تا نخبگان و مدیران ما در جریان خطر جاری قرار بگیرند؟ این را مقایسه کنید با گزارش‌هایی که آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس و اسرائیل درباره ایران منتشر می‌کنند. آیا برخی مدیران ما از ناتوی اطلاعاتی و فرهنگی غافل نشدند و عوامل شبکه‌سازی شده دشمن، به امنیت ملی ما شبیخون نزدند؟ ما در همین چند ماه اخیر، تحرکات ناتوی اطلاعاتی را در قالب تلاش برای ایجاد آشوب «مجازی‌بنیان» در عراق و لبنان شاهد بودیم و مشابهش را زمستان ۹۶ و آبان ۹۸ تجربه کردیم. میز اطلاعاتی و عملیاتی مشترک، سال‌هاست علیه ایران فعال شده و از برخی مدیران و نمایندگان فراری شبه‌اصلاح طلب بیگاری می‌کشد.

۵- یکی از ترمینال‌های وابسته به ناتوی اطلاعاتی، کانال آمدنیوز بود که از ارتباطات آلوده داخلی تغذیه می‌کرد. این کانال در انتخابات ۹۶، ضمن تخریب نامزدهای انتخاباتی، تظاهر به حمایت از برخی دولتمردان می‌کرد اما وقتی به تدارک اغتشاش دی ۹۶ رسید، هویت خود را آشکار کرد. نیما زم مدیر کانال، پس از انتخابات ۹۶ در گفت‌وگو با یکی از عناصر ضدانقلاب، تحلیل مافوق‌های خود را این‌گونه بازگو کرد؛ «ما تحلیل داشتیم. آن حمایت در انتخابات، برای افزایش ناکارآمدی و رساندن کشور به نقطه جوش بود». یک سؤال مهم: شش سال معطل کردن کشور با وعده‌های آمریکا و اروپا، پیامدی جز تضعیف اقتصاد ملی و ناراضی‌تراشی (تدارک نقطه جوش!) می‌توانست داشته باشد؟ و اگر این روند، موجب رکود و تورم و بیکاری و شکاف طبقاتی، و کاهش ارزش پول ملی و سخت‌تر شدن فضای کسب و کار شده، آیا شک‌برانگیز نیست که برخی برجام‌زدگان، برای حرکت در باتلاق جدید دشمن در قالب FATF جنجال می‌کنند؟!

۶- چرا دشمن در شبیخون اخیر (به بهانه بنزین) آماده اقدام بود، اما دولتمرد ما این طرف ادعا می‌کرد صبح جمعه از سهمیه‌بندی شدن بنزین خبردار شده؟ چرا برخی نهادهای مسئول غافلگیر شدند، در حالی که دشمن مترصد بود؟ عبدالله نصری (مشاور خاتمی و عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان) در کنار اصغرزاده، دومین نفری است که ادعا کرد «دولت روحانی، رحم اجاره‌ای اصلاح‌طلبان است». اما او اخیراً ضمن فرافکنی گفته است «این اولین بار نیست که روحانی نه به کارشناسی بیرون از دولت توجه می‌کند، نه به کارشناسی درون دولت. ما در همان آبان‌ماه - حتی قبل از اعلام گرانی بنزین - خبرهایی داشتیم که دولت و آقای روحانی تصمیم گرفته‌اند، اما وزارت اطلاعات مخالف این اقدام بوده. دستگاه‌های امنیتی حتماً با این نظر مخالف بوده‌اند... این ناهماهنگی و بی‌توجهی به حوزه کارشناسی، نه برای اولین بار است و نه آخرین بار خواهد بود. مشکل اصلی روحانی این بوده که اساساً به حوزه‌های کارشناسی خیلی توجهی نداشت. هر طور که نگاه کنیم افزایش قیمت بنزین نقطه آغازش با وزارت نفت و دولت است و آقای روحانی مسئول است»

چالش‌های رهبری مکرون بر اروپا

اعتماد: امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه در نظر دارد اتحادیه اروپا را در قرن بیست و یکم رهبری کند، اما او زمانی موفق خواهد شد که در این موضوع افراط نکند، چراکه در این صورت، خود را در معرض چالش با دیگر رهبران سیاسی نوظهور قرار خواهد داد. چنین چالشی زمانی محتمل است که وضعیت سیاسی داخلی آلمان سر و سامان یابد، دیگر کشورهای عضو اروپا تصمیم به تشکیل ائتلافی علیه فرانسه بگیرند یا مکرون عمده بازیگران اصلی درون اتحادیه اروپا را منزوی کند باید خاطر نشان کرد که مکرون حامیان قوانین محدودکننده در مورد «انتقال کارگران» در سال ۲۰۱۷ را رهبری می‌کرد. شاید مکرون صادقانه خواهان یکپارچگی اروپا باشد، اما این امر مانع از آن نمی‌شود که او کارخانه کشتی‌سازی فرانسه را برای جلوگیری از خرید آن توسط شرکت ایتالیایی، ملی اعلام نکند. به‌طور تاریخی، دیپلماسی فرانسه با چانه‌زنی‌های بزرگ همراه بوده است، اما آلمان، تحت رهبری مرکل از موافقت با مکرون خودداری کرده و وضع موجود یا تغییرات افزایشی را ترجیح می‌دهد. دیپلماسی بیش از حد فعالانه مکرون از یک عقده حقارت پسامپراتوری حکایت می‌کند که علائم آن (خواه برگزیت خواه پوتین‌گرایی) مانع از عادی‌سازی اروپا می‌شود و از بسیج اتحادیه اروپا برای ایجاد توازن در برابر آمریکا و چین جلوگیری کرده است. لحن مکرون نشان می‌دهد که او خواهان مبارزه با این علائم است، اما اقدامات اخیر او بیانگر بازتولید آنهاست.

ترامپ شایسته ریاست جمهوری آمریکا نیست

فارس: ناتوانی یا عدم تمایل ترامپ در پیگیری پروتوکل‌های تصمیم‌سازی عادی، باعث ایجاد هرج و مرج در سیاست خارجی آمریکا شده و کشور را در خطر قرار داده است. نماینده سابق کنگره هشدار داد که از نظر روانشناختی، اخلاقی، فکری و روحی، ترامپ برای ریاست جمهوری شایسته نیست. ما تنها این امیدواری را داریم که کنگره با استیضاح ترامپ، وی را برکنار کرده و انتخاب میان دو نفر دیگر را در سال ۲۰۲۰ داشته باشیم. نتیجه استیضاح هر چه باشد، دموکرات‌ها توانسته‌اند نام ترامپ را در تاریخ در فهرست معدود روسای جمهور استیضاح شده قرار دهند. «اندرو جانسون» در سال ۱۸۶۸ و «بیل کلینتون» در سال ۱۹۹۸ استیضاح شدند و نام ترامپ به عنوان سومین رئیس‌جمهور در کنار آنها قرار خواهد گرفت. با این وجود هیچ رئیس‌جمهوری در آمریکا تا به حال از طریق استیضاح برکنار نشده است و به احتمال قریب به یقین، استیضاح کنونی هم به برکناری رئیس‌جمهور منتهی نمی‌شود.

